

تحلیل گفتمان بشارت در قرآن

ابراهیم نامداری^{۱*}، زهرا عبادی^۲

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه پیام‌نور، ایران

enamdari@yaoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، کرمانشاه، ایران

zhraebadi1363@yahoo.com

چکیده

امروزه شناخت قرآن در قالبی روشمند توجه بسیاری از مفسران و قرآن‌پژوهان را به خود جلب کرده است. از جمله علومی که در راستای دستیابی به این هدف مقدس به کار گرفته شده‌اند، واژه‌شناسی، کاربردشناسی و معناشناسی و... هستند که در دریافت معانی قرآن و غرض خداوند متعال نقش بسزائی داشته و دارند. علمی که در حال حاضر پا را فراتر از معناشناسی نهاده، علم تحلیل گفتمان است که به نوعی تلفیقی از همه علوم بیان شده است. در این رویکرد پس از آنکه معنای واژگان و ارتباط نحوی آنها آشکار شد، به ویژگی‌های متکلم و مخاطب و شرایط گفتگوی موجود میان این دو عنصر می‌پردازد و در پایان واکنش مخاطب بعد از دریافت پیام را بررسی می‌کند. تحلیل گفتمان که شامل شش مرحله است، در واقع تعاملات زبان با ساختارهای فکری - اجتماعی در متون گفتاری یا نوشتاری را کشف می‌کند و چگونگی شکل‌گیری معنا در ارتباط با عوامل درون‌زبانی و برون‌زبانی را مطالعه می‌کند. در این پژوهش با به‌کارگیری روش توصیفی تحلیلی کوشش شده است تا پس از بیان تعریفی از «کارگفت» و تاریخچه آن، «کاربردشناسی» و «بافت»، بافت پیرامونی کارگفت بشارت و تحلیل گفتمان و کارگفت آن در قرآن و شرایط حاکم میان دوسوی این تعامل گفتاری - خداوند و بنده - و دستاویزهای عنصر مُبشّر برای اقناع مُبشّر ترسیم شود و در پایان، شرایط تحقق کارگفت بشارت و میزان تأثیرگذاری این شیوه با به‌کارگیری وعده‌های دنیوی و اخروی برای ترغیب و تشویق مخاطب به سبب قبول ایمان و انجام تکالیف بررسی شود. شایان ذکر است در تحقق یک کارگفت، وجود همه مؤلفه‌ها و شاخص‌ها الزامی است و اتحاد این مؤلفه‌ها سبب تفاوت کارگفت‌ها خواهد بود.

واژه‌های کلیدی

کارگفت، تحلیل گفتمان، کاربردشناسی قرآن، بشارت.

مقدمه

قرآن کریم از همان آغاز نزول در پی جلب مخاطبان بوده است تا آنها را برای رسیدن به مقصد نهایی خلقت یعنی رستگاری هدایت کند؛ بنابراین برای اقناع مخاطبان و ایجاد رابطه با آنان از روش‌های مختلفی استفاده کرده است.

گاه از باب موعظه و دعوت وارد شده است، گاه از باب امر و نهی، گاه از باب تنبیه و گاه از باب بشارت و جنات تجری من تحتها الأنهار او را به فلاح می‌کشانند.

غالب گفتار خداوند در قرآن دربارهٔ انذار و تبشیر است که درحقیقت برای آگاه‌ساختن انسان از راه رستگاری و سعادت و یا شقاوت و بدفرجامی است. خداوند در همه این نمونه‌ها، قصد نفوذ در وجود مردم را دارد تا تأثیرگذاری کلامش را در مخاطب بیشتر کند.

از منظر قرآن کریم، این تأثیرگذاری باید از ذهن و قلب مخاطب بگذرد و تمام وجود او را فرا بگیرد و او را به واکنشی صحیح وادار کند و در پایان هر مخاطب متناسب با اعتقاداتش واکنشی را از خود نشان می‌دهد. از نمونه‌های نشان‌دهندهٔ اوج محبت خداوند به بنده بشارت‌های قرآنی است. با تأملی در آنچه که خداوند وعده داده است و

اعمالی که بنده برای رسیدن به این پاداش‌ها و سعادت انجام می‌دهد، این مسئله کاملاً مشهود است که در هیچ‌کدام از پاداش‌های خداوند و اعمالی که از طرف بنده انجام می‌گیرد، تساوی وجود نداشته و رحمت و پاداش خداوند نسبت به اعمال بندگان وسیع‌تر است. اما در کنار همه این پاداش‌ها، هستند کسانی که در مقابل همه رهنمودهای خداوند به

مخالفت برخاسته، ابراز وجود کرده و در برابر آموزه‌های وحیانی مقاومت کرده‌اند. خداوند در قرآن کریم در قالب قواعد زبان بشری با پیامبر ارتباط برقرار کرده است؛ بنابراین همان ابزارهایی که در تحلیل زبان بشری به کار رفته است را می‌توانیم در کلام الهی ببینیم.

در پژوهش پیش رو، نگارندگان در پی تحلیل کارگفتی بشارت در آیات قرآن و بررسی رابطه میان عناصر به‌وجودآورنده این کارگفت هستند. در ابتدا واژگان مدنظر در پژوهش را بررسی می‌کنیم.

۱- گفتمان کاوی و مراحل آن در تحلیل آیات قرآن

«ریشهٔ واژهٔ گفتمان از فعل یونانی discurrere به معنی حرکت سریع در جهات مختلف است» (عضدانلو، ۱۳۷۵، ص ۱۶).

در جای دیگر، می‌خوانیم: «گفتمان به واحدهای بزرگ‌تری از زبان چون بند، مصاحبه، مکالمه و متن نظر دارد» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۸). در این تعریف، گفتمان درواقع «زبان بالاتر از جمله یا بالاتر از بند است» (سلطانی، ۱۳۸۷، ص ۲۸) و در رویکرد نقش‌گرایانه در زبان‌شناسی «گفتمان را زبان به هنگام کاربرد می‌داند و به بافت کاربرد زبان توجهی خاص دارد» (همان، ص ۳۰).

مطابق با آنچه در مفهوم‌یابی اصطلاح گفتمان گفته شد، نگرش ساخت‌گرا در تحلیل گفتمانی به چگونگی کارکرد واحدهای مختلف ساختار زبان در ارتباط با یکدیگر نظر دارد (همان). تحلیل گفتمان از منظر این رویکرد درواقع تلاشی برای مطالعهٔ نظام و آرایش فراجمله‌ای عناصر زبانی است (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۹).

برقراری ارتباط میان باورها و تعامل در موقعیت‌های اجتماعی. وظیفه و هدف اصلی مطالعه گفتمان، فراهم آوردن توصیفی یکپارچه از این سه بعد است، به طوری که تأثیر و تأثرات آنها را بر یکدیگر بررسی می‌کند (ون دایک، ۱۳۸۷، ص ۱۷).

با در نظر گرفتن تعاریف مذکور می‌توان به یک جمع‌بندی در تحلیل گفتمان دست یافت. تحلیل گفتمان، در واقع تعاملات زبان با ساختارهای فکری اجتماعی در متون گفتاری یا نوشتاری را کشف و چگونگی شکل‌گیری معنا در ارتباط با عوامل درون‌زبانی و برون‌زبانی را مطالعه می‌کند.

۲- تاریخچه تحلیل گفتمانی

تعاریف گفتمان براساس آنچه ذکر شد، بسیار متعدد و گوناگون است که این تعدد ناشی از سیر تحول این روش است. «در راستای همین تحولات و بر اثر تعامل عوامل زبانی و غیر زبانی، گفتمان به تبع آن تحلیل گفتمان به وجود آمده است. گفتمان در هر مقطعی از زندگی اجتماعی انسان در چارچوب رویکردی خاص تعریف شده و هر یک از این رویکردها نقش مهمی در آنچه امروز رشته تحلیل گفتمان است، داشته‌اند» (سلطانی، ۱۳۸۷، ص ۳۰). آنچه در اینجا اهمیت دارد، گزینش تعریفی تام و منطبق بر ویژگی‌های انسان قرن بیست و یکم است تا محصلی به شیرینی هدایت، برای او به ارمغان آورد.

۳- کاربردشناسی

دیدگاه کاربردشناسی در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی در آمریکا و در مقابل دیدگاه نحوگرایان و دستور زبان چامسکی مطرح

جمع‌بندی فرکلاف، یکی از گفتمان‌کاوان انتقادی، در ارتباط با مفهوم گفتمان، نشان‌دهنده این است که او به گونه‌ای به کاربرد زبان در گفتمان توجه دارد که زبان را سازنده اجتماع و پدیدآمده از روابط اجتماعی می‌داند.

در عین حال او معتقد است که این اصطلاح، اشیا را آنگونه که هست و آنگونه که ممکن است باشد و یا آنگونه که باید باشد، بازنمایی می‌کند. فرکلاف در توصیفی دیگر، گفتمان را به مثابه ترکیبی از متن، رویدادها، دنیای فیزیکی و اجتماعی وسیعی می‌داند که همه مردم درگیر آن‌اند (عواطف‌رستمی، بی‌تا، ص ۲۴) و وظیفه اصلی آن، تحلیل روابط اجتماعی، ارزش‌ها و باورهاست.

اما براساس نگرش دوم که همان نقش‌گرایی در زبان است، «تحلیل گفتمان به مثابه یک نوع تحلیل زبانی در هنگام کاربرد است که در آن نمی‌توان توصیف صورت‌های زبانی را مستقل از هدف و نقشی انجام داد که این صورت‌ها قرار است در امور انسانی ایفا کنند» (سلطانی، ۱۳۸۷، ص ۳۰).

در رویکرد سوم، یعنی تحلیل گفتمان انتقادی، منظور از تحلیل گفتمان در واقع کشف ایدئولوژی‌هایی است که مردم آگاهانه یا ناآگاهانه در زبان به کار می‌گیرند (فاضلی، ۱۳۸۳، ص ۸۳). به تعبیر دیگر، گفتمان‌کاوی انتقادی، فنونی تحلیلی است که برای آشکار ساختن الگوهای فهم، باور، ارزش و ساختار ایمان مندرج در گفتمان به کار گرفته می‌شوند (همان، ص ۸۳).

با نظر به سه رویکرد زبان‌شناسی ساخت‌گرا، نقش‌گرا و انتقادی، می‌توان به سه بُعد اصلی گفتمان دست یافت. این سه بعد عبارت‌اند از: کاربرد زبان،

این کتاب همان متن مقدسی است که «تَبَيَّنًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۸۹) بارزترین صفت آنست.

۴- تبیین مفهوم کارگفت

نظریه کارگفت را نخستین بار «جان لانگ شاو آستین» یکی از فیلسوفان مکتب آکسفورد معرفی کرد. او معتقد بود که جملات خبری گونه اصلی جملات زبان نیستند. کاربرد اصلی زبان، اطلاعی نیست و صدق یا کذب معنای تمام‌پاره‌گفت‌ها، تعیین‌پذیر نیست. به این جمله دقت کنید: «قول می‌دهم فردا قرض خود را پرداخت کنم»، آویستن این جمله و امثال آن را پاره‌گفت بیانی می‌نامد و تأکید می‌کند که چنین گفته‌هایی به نوعی به «عمل» یا کنش اشاره دارند. درواقع در این جملات بحث بر سر صدق یا کذب نیست؛ بلکه مطلب توجه‌برانگیز این است که این سخنان چه کاری انجام می‌دهند. آویستن برای پاره‌گفت‌های بیانی سه مرحله را در نظر گرفته است. نخست بیان چنین جملاتی که کنش بیانی نامیده می‌شود، برای نمونه قاضی جمله «من شما را به سه سال زندان محکوم می‌کنم» را بر زبان جاری می‌کند. دوم تأثیر آن کنش بیانی بر مخاطب که کنش غیر بیانی نامیده می‌شود. در مرحله سوم، مخاطب با شنیدن چنین جمله‌ای از قاضی واکنشی را از خود نشان می‌دهد - گریه می‌کند یا اعتراض می‌کند یا بیهوش می‌شود و...- این کنش غیر بیانی را کارگفت می‌نامند.

به بیان ساده‌تر در این ساختار کارگفتی، جمله‌ای که از فردی صادر می‌شود، کنش بیانی و احساسی که از شنیدن پیام در ذهن و جان مخاطب ایجاد می‌شود، کنش غیر بیانی جمله تلقی شده است و سبب می‌شود که مخاطب از شنیدن پیام، اطمینان یا دلهره و ...

شد (فقیهیان، ۱۳۸۹، ۱۷). درحقیقت در گذشته برای دریافت یک متن کلمات و رابطه جانشینی و همنشینی آنها بررسی معناشناسانه می‌شد. هنگامی که از معناشناسی سخن گفته می‌شود، درحقیقت به همان روش قدیمی تجزیه و تحلیل کلام همراه با مطالعه رابطه میان صورت و نقش جمله‌های زبان محدود می‌شود (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۱۹).

معناشناسی در حقیقت مقدمه‌ای برای کاربردشناسی است. در کاربردشناسی، معنا هنگام کاربرد و در جهان خارج مطالعه می‌شود. جمله‌ها اگر در مقام و موقعیت مناسب به کار نروند، در ایجاد ارتباط نیز سهمی به خود اختصاص نخواهند داد. فرد در مقام گوینده تشخیص می‌دهد که چگونه صحبت کند و چه جملاتی را به کار برد و مخاطب نیز تشخیص خواهد داد که هنگام مواجه شدن با کلام و جمله چه واکنشی از خود بروز دهد (معموری، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷-۱۶۱).

با توجه به آنچه گفته شد، پیداست که صرف معناشناسی برای دریافت غرض اصلی متون، مخصوصاً برای دریافت مفهوم کلام خداوند و غرض اصلی آیات و بررسی کنش و واکنش‌هایی که پس از دریافت آنها ایجاد می‌شود، کافی نیست، کارایی لازم را ندارد و زوایای متن بر خواننده پنهان می‌ماند. روشن است که انسان و حالات مختلف و اختیار او در معنا نفوذ می‌کند و به متن روح می‌بخشد. نظریه کاربردشناسی برخلاف علم معناشناسی تمام واکنش‌ها و مؤلفه‌های دخیل در متن را نیز مطالعه می‌کند. درواقع این نظریه کمک می‌کند، انسان آنچه را از قرآن برای هدایت نیازمند است، تحصیل کند؛ چراکه

(وَمِنْهُمْ مَّنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَّا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ
بِالْمُفْسِدِينَ) (یونس/۴۰).

در ادامه قبل از پرداختن به مبحث کارگفت بشارت، چند مفهوم کاربردی در این پژوهش از جمله بافت را تحلیل می‌کنیم.

۵- تعریف بافت

بافت موقعیتی عینی است که در آن گفتمان بیان می‌شود. بافت دربرگیرنده تمامی پارامترها همچون مکان، زمان، هویت و ماهیت روابطی که طرفین را با یکدیگر درگیر می‌کند، است. در یک کلام، «بافت» تمام آن چیزهایی است که باید دانست تا یک گفتمان را فهمید و ارزیابی کرد؛ بنابراین موضوع کاربردشناسی بررسی عمومی‌ترین روابط میان گفته و گفته‌پردازی، میان جملات و بافت‌های تولیدی‌شان است. بافت، افرادی را در بر می‌گیرد که در دنیای واقعی وجود دارند و هویت طرفین مکالمه، محیط فیزیکی و اجتماعی‌شان، مکان و زمان بیان گفته‌هاست.

۶- جایگاه بافت در کاربردشناسی

بافت یکی از مباحث ضروری و حد فاصل معناشناسی و کاربردشناسی است و اهمیت آن به‌حدی است که تعریف کاربردشناسی به آن وابسته است. در محدوده پیام‌رسانی و انتقال پیام دو مؤلفه توجه‌برانگیز است: یکی دلالت درون‌زبانی و دیگری دلالت برون‌زبانی.

دلالت درون‌زبانی، ارتباط واژه‌ها با غرض ذهنی است و دلالت برون‌زبانی موقعیت و شرایط و فضایی است که مخاطب در آن قرار گرفته است و به ساختار جمله مربوط نیست؛ اما از اهمیت زیادی برخوردار است. می‌توان اینگونه بیان کرد که دلالت درون‌زبانی

نماید. اما واکنشی که شنونده پس از ایجاد این احساس از خود بروز می‌دهد- اعتراض، گریه، پرخاشگری و...- این کنش غیر بیانی را کارگفت می‌گویند (صفوی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۷-۳۰۵).

در حیطه کنش رفتاری می‌توان گفت هر گفتاری نوعی کنش است. در واقع گفته‌ها وقایع زبانی یا کنش‌های زبانی در زمان هستند که از هرکدام نتایج یا اثرات خاصی مدنظر است. گوینده زمانی که یک جمله را بیان می‌کند، درحقیقت عملی را انجام می‌دهد که به آن «کنش» گفته می‌شود و درمقابل این گفته، مخاطب نیز چه مستقیم و ظاهر و چه به‌طور غیر مستقیم و در باطن، دچار تحولاتی می‌شود که به آن واکنش گفته می‌شود. برای مثال (مثل الجنه التي وعد المتقين...) (رعد/۳۵)، خداوند با بیان ویژگی‌ها و زیبایی‌های بهشت بندگان را ترغیب و تشویق می‌کند. بشارت‌ها و وعده‌های خداوند درباره بهشت و ترغیب انسان به عمل صالح برای کسب بهشت را کنش بیانی و تأثیری که در مخاطب ایجاد می‌شود را کنش غیر بیانی و واکنش او در مقابل این بشارت‌ها - عملی که انجام می‌گیرد- کارگفت نامیده می‌شود. برای مثال برخی مخاطبان با توجه به اعتقادات و تفکرات دینی و ایمان به خوش‌قولی خداوند (إِنَّ اللَّهَ لَا يُخَلِّفُ الْمِيعَادَ) (آل عمران/۹)، به این بشارت‌ها ایمان داشته‌اند و برای کسب رضایت خداوند و رسیدن به پاداش‌ها، عمل صالح انجام می‌دهند و برخلاف این دسته عده‌ای هستند که این وعده‌ها را بی‌اساس دانسته‌اند، نه تنها عملی صالح انجام نمی‌دهند؛ بلکه غرق در معصیت و زشتی‌ها می‌شوند

و برون‌زبانی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند و مستقل از یکدیگر نیستند (صفوی، ۱۳۹۱، ص ۲۹۹-۳۰۰). به گفته کوک برای دریافتن دقیق معنای یک جمله و متن به غیر از معنای ظاهری و درج‌شده در فرهنگ لغت، عواملی همچون سن و جنس و موقعیت‌های اجتماعی و زمان و مکان و اشتراکات فرهنگی طرف‌های گفتگو نقش زیادی دارد که به این عوامل بافت گفته می‌شود (کوک، ۱۳۸۸، ص ۵۸). پس برای دریافت تعالیم متن مقدسی همچون قرآن، تحلیل جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و تاریخی آن ضروری است.

برای نمونه بشارتی که خداوند به مسلمانان در جنگ بدر داده است (إِذْ تَسْتَعِثُونَ رَبِّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ) (انفال/۹)، را می‌توان چنین تحلیل کرد:

خداوند برای تشویق مسلمانان به جنگ و نشان‌دادن قدرت خویش در یاری مسلمانان در حالی وعده پیروزی را به آنها

می‌دهد که هم از لحاظ تعداد و هم تجهیزات در حداقل هستند؛ اما این بشارت خداوند چند واکنش مختلف در برداشت:

۱- مسلمانی که با اعتقاد راسخ، قدم در راه نهاده بودند، با ایمان به وعده خداوند که هزار فرشته را به یاریشان می‌فرستد، اطمینان داشتند که پیروز میدان آنها خواهند بود و در کنار این ایمان، با تمام قدرت نبرد کردند.

۲- گروه دوم کسانی بودند که ایمانشان سست بود و هنوز به وعده خداوند مشکوک بودند، این دسته با دلهره و اضطراب بسیار قدم در میدان جنگ گذاشتند.

۳- گروه سوم مشرکان بودند که با تمسخر و تهدید مسلمانان و اعتقادداشتن به نصرت خداوند، با اتکا بر خود و توان نظامی بالایشان قدم در جنگ نهادند.

خداوند با بیان نمونه‌های بسیاری از برخی افراد که با ایمان به بشارت‌ها و وعده‌های او قدم در وادی رستگاری نهاده و برخلاف این عده، برخی با توجه‌نکردن و ایمان‌نداشتن به این بشارت‌ها به عقوبت گرفتار شده‌اند، به دنبال اثرگذاری است و اینکه واکنشی در مخاطب ایجاد کند، تا افراد برای کسب خیرات رقابت کنند و مسابقه دهند: (لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ) (حدید/۲۳).

پس پیام و غرض خداوند در این آیات، فقط دعوت به دقت در چینش آنها و یا درک روابط کلمات با هم نیست؛ بلکه

مقصودی فراتر از این امور است که همان ایجاد حس رقابت برای کسب خیرات و ایجاد عبرت در مخاطبان از سرانجام مخالفان است. بشارت و وعده‌های خداوند در قرآن به اشکال مختلف نمود یافته است. یعنی گاهی به‌طور مستقیم با ذکر برخی اعمال و اجری که برای آنها در نظر گرفته شده است، مخاطب مختار را به انجام آن دعوت می‌کند که این نوع بشارت را که ساختار جمله و کارکرد آن رابطه‌ای مستقیم دارد، کنش گفتاری مستقیم است و اگر بین ساختار جمله و کارکرد آن رابطه و ارتباط غیر مستقیم باشد، کنش گفتاری غیرمستقیم است (یول، ۱۳۸۵، ص ۶۶).

در اینجا نیز کارکرد جملات صد در صد عبرت‌آموزی و بشارت به انسان‌هاست. اگرچه در

علت آن، دلالت‌های ضمنی و درنهایت صنایع بیانی به‌کاررفته در جمله، مشخص می‌شود.

در اینجا نیز مباحث نحوی و بلاغی و انواع دلالت‌های متنی از جمله دقت در دلالت التزامی و تضمینی و دلالت مفهومی - که علمای اصول فقه بسیار به آن توجه کرده‌اند - به گفتمان‌کاوی بهتر متن قرآن کمک شایانی می‌کند.

چنانکه ملاحظه شد، مرحله سوم تحلیل گفتمانی، چگونگی پیوستگی متن از نظر ساختاری و معنایی را بررسی می‌کند که دارای عناصری چون ارتباط آغاز و پایانه، عوامل ربطی، جانشینی و هم‌نشینی، تضاد معنایی و شمول معنایی است. اما بروز مؤلفه پیوستگی در علوم قرآنی در دو مبحث سیاق درونی و علم مناسبت دیده می‌شود. سیوطی درباره علم مناسبت با تقسیم‌بندی آن به دو نوع ظاهری و معنوی، چنین بیان می‌کند که: «اجزای سخن، گردن یکدیگر بگیرند و بدین ترتیب ارتباط قوت یابد و تألیف کلام مانند ساختمان محکمی شود که قسمت‌های مختلف آن با هم سازگار باشند» (طیب، بی‌تا، ص ۱۷۷).

اما مبحث سیاق - که به نوعی با تناسب آیات و سوره‌های ارتباط تنگاتنگی است - بر این پایه مبتنی است که نص قرآن وحدتی ویژه دارد. این وحدت کلی قرآن باعث شده تا همه آیات، هرچند که در زمان‌های مختلفی نازل شده است، از نظر معنایی در فهم یکدیگر مؤثر باشند (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۳۴۱). باوجوداین از منظر مفسرانی چون علامه طباطبائی تعیین دامنه سیاق همواره امری مهم و ضروری بوده است. ایشان عوامل تعیین‌کننده دامنه سیاق را در دو امر خلاصه می‌کنند: ۱. وحدت صدور آیات؛ ۲.

برخی نمونه‌ها به‌طور مستقیم بیان نشده است. خداوند در بیان علت این سرگذشت‌ها می‌فرماید: (حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَرَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّىَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ) (یوسف/۱۱۰).

از جملات بالا درمی‌یابیم که وجه تمایز میان نحو و معناشناسی از کاربردشناسی، زیررشته‌های زبان‌شناسی، در گرو مفهوم بافت است. نحو، جمله‌ها و معناشناسی گزاره‌ها و کاربردشناسی کنش‌های بیانی و بافت پیرامونی را مطالعه می‌کند. کاربردشناسان به دنبال آن هستند که نمود بیرونی زبان در بافت کاربردی و موقعیتی را تبیین کنند (صانعی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۶۲).

مرحله اول در تحلیل گفتمانی آیات قرآن، بنابر آنچه در مبحث مراحل تحلیل گفتمانی گذشت، واکاوی واژگان قرآنی است. در این مرحله ابتدا موضوعات و واژگان و اصطلاحات خاص مربوط به آن فهرست‌برداری می‌شود. سپس چگونگی انتخاب هر واژه در مقابل واژگان فرضی هم‌معنا - که با تسلط به مبحث وجوه و نظائر در علوم قرآنی امکان‌پذیر است - بررسی می‌شود. تحلیل هر واژه، درعین حال به توجه در نگرش کل قرآن به آن واژه و نیز جایگاه آن در میان بافت فرهنگی اجتماعی زمان نزول نیاز دارد. نوع بیان واژه نیز در گفتمان‌کاوی آیات قرآن مؤثر و نقش‌آفرین است.

مرحله دوم، فهرست‌برداری از جملات و گزاره‌های آیات قرآن است. در اینجا گرایش اصلی قرآن از طریق تحلیل جملات از نظر تقدم و تأخر، مجهول یا معلوم‌بودن، نوع الگوی جمله، ابهامات جمله از نظر زمان و مکان و شیوه انجام‌دادن عمل یا

وحدت موضوعی آنها. البته در هر دوی این عوامل محدودیت‌هایی دیده می‌شود، از جمله آنکه آیه یا آیاتی معترضه در لابه‌لای سیاقی واحد وارد شوند. مرحله چهارم از تحلیل گفتمانی آیات قرآن، تعیین ساختارهای درونی نص و معنای کلان آن است. «مفسر برای رسیدن به معنای کلان نص، ابتدا آیات مختلف یک سوره را به صورت خلاصه در فهرستی از مطالب بیان می‌دارد و سپس با توجه به اهمیت مطالب، دوباره هم این خلاصه را خلاصه‌تر می‌کند و با همین شیوه به معنای کلان دست می‌یابد» (همان، ص ۱۹۳).

اما ساختارهای درونی نص قرآن، همواره تابعی از ساختارهای کلان جهان‌شمول نیست؛ بلکه گاهی خود سازنده این ساختارهاست. در این نمونه می‌توان به بافت‌های جدلی قرآن و همچنین الگوی بافت قانون‌گذاری آن توجه کرد. برخی از دانشمندان علوم قرآنی امروزه به دنبال کشف ساختارهای مختلف قرآنی از جمله طریقهٔ جدل، امر و نهی، ترغیب و ترهیب‌اند.

در پنجمین مرحلهٔ تحلیل گفتمانی آیات، فهرستی از تضادهای دوگانه مابین آنچه در نص آیه هست و آنچه نیست؛ اما مرتبط با موضوع آیات بررسی می‌شود. دلیل انتخاب موضوعات مختلف در آیات و چرایی تأکید، حذف و بزرگ‌نمایی در بیان جزئیات آن موضوعات از مطالبی است که باید در این مرحله لحاظ شود. واکاوی دلیل این انتخاب‌ها در سطوح مختلف گفتمانی در واقع ایدئولوژی حاکم بر نص را مشخص می‌کند.

اما آخرین مرحله از متناسب‌سازی روش در تفسیر آیات قرآن، توجه ویژه‌ای به روابط بینامتنی

نص و همچنین بافت فرهنگی اجتماعی آن دارد. متون روایی از جمله متونی هستند که مفسر باید به روابط بینامتنی نص آنها توجه کند. متون فلسفی، فقهی و کلامی نیز از دیگر متونی‌اند که در کشف معانی پنهان نص، مفسر را یاری می‌رسانند.

اما بافت فرهنگی اجتماعی که در میان دانشمندان علوم قرآنی سیاق گسسته آیات و قراین حالی‌مقالی آنها نیز نامیده می‌شود، شامل مباحثی از قبیل شأن نزول آیات و مکی یا مدنی بودن آنهاست. شناخت مخاطب هر آیه نیز در مطالعهٔ بافت موقعیتی آیات بررسی می‌شود.

نکتهٔ آخر که در چگونگی کاربست گفتمان‌کاوی در شناخت آیات قرآن باید بیان داشت، توجه به حرکت از بیرون نص به درون آن و به عکس است. در حرکت از بیرون به درون نص در واقع به کمک بافت، موقعیت متن واکاوی می‌شود، درحالی‌که در حرکت از درون به بیرون نص از طریق واکاوی متن، تأثیر و تأثرات آن از ساختارهای فرهنگی اجتماعی بررسی خواهد شد.

۷- بافت پیرامونی و مبانی تحقیق کارگفت بشارت در قرآن

در ادامه پژوهش نقش بازیگران کارگفت بشارت را بررسی و جایگاه هرکدام را در محل خود معرفی می‌کنیم.

در کارگفت بشارت، سه عنصر در کنار هم به ایفای نقش می‌پردازند:

۱- خداوند: در بحث بشارت، آیات مختلفی وجود دارد که این آیات از منظرهای گوناگونی تقسیم می‌شوند.

را مبشِّر و در آیه «يَأَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (احزاب/۴۵)، پیامبر را مبشِّر معرفی می‌کند.

با توجه به مقام رفیع خداوند و شأن والای پیامبر در نزد مخاطبان آیات خداوند، معلوم می‌شود که مبشِّر باید از جایگاه والا برخوردار باشد تا کلام و بشارت او در مخاطب تأثیرگذار باشد و او را به واکنش وادار کند.

در ادامه برخی صفات مبشِّر-خداوند- را که در تأثیرگذاری بر مخاطب مؤثر است، بیان می‌کنیم.

۱-۱-۷- حکمت خداوند

حکمت از ریشه «حکم» به معنای منع کردن از چیزی به دلیل اصلاح آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۸). به همین دلیل لجام حیوان را حکمه و علم و دانش را حکمت می‌گویند؛ چون شخص را از کارهای خلاف باز می‌دارد. حکمت خداوند به این معناست که موجودات را کمال مطلق تا حد داشتن ظرفیت آنها برساند. او خلقت موجودات را در راستایی قرار می‌دهد که آنها به کمال سوق یابند و در مخلوقات کمال را ایجاد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۶۲۰). (وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَكَتَمْنَاهُ بِهٖ قُلُوبُكُمْ وَمَا نُصِرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)، بشارت و اطمینان و نصرت و پیروزی را از حکمت خداوند برشمرده است و بشارت خداوند را مایه آرامش و اطمینان خاطر مخاطب می‌داند. در بسیاری از آیات قرآن که موضوع بشارت و وعده‌های خداوند بیان شده است، این نکته به چشم می‌خورد که تحقق بشارت خاص کسانی است که از اوامر خداوند اطاعت کنند و اعمال صالح را انجام بدهند.

۲- بررسی آیات از منظر بشارت‌دهنده (مبشِّر):
مهم‌ترین و مؤثرترین عنصر در این کارگفت، خداوند است. خداوند، مبشِّر اصلی، که به دنبال اقناع و تشویق مخاطب برای رسیدن به کمال و اعلی‌العلیین در مرتبه نخست است و رضایت او شرط قبولی طاعات بندگان است: «يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ» (توبه/۲۱).

۳- ناگفته نماند که پیامبر اسلام نیز حامل پیام بشارت از جانب خداوند و مبشِّر است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (احزاب/۴۵).

اما از آنجا که پیامبران حاملان پیام وحی هستند و خود به صورت مستقل عمل نکرده‌اند، در طول خداوند با نام مبشِّر می‌توانند قرار گیرند: «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» (بقره/۲۱۳).

و آیات دیگری که بشارت‌دهنده را خود قرآن (نحل/۸۹)، پیامبران الهی (بقره/۲۱۳، انعام/۴۸)، روح‌القدس (نحل/۱۰۲)، جبرئیل (بقره/۹۷)، باداها (اعراف/۵۷) و غیره معرفی می‌کند.

۴- انسان: در کنار عنصر اول (خدا) و پیامبران، عنصر دیگری وجود دارد که هدف بعثت پیامبران و مقصود بشارت‌های قرآن است. انسان با داشتن خصوصیات و صفات و واکنش‌های مختلف خویش از این وعده‌ها و بشارت‌های قرآنی، می‌تواند در جهت سعادت یا شقاوت خویش گام بردارد.

در یک جمع‌بندی دیگر می‌توان به این نکته رسید که خداوند و پیامبران، قرآن، ملائکه و... مبشِّر در یک دسته و انسان مخاطب و مبشِّر در دسته دوم است.

۱-۷- خداوند متعال کاربر کارگفت بشارت

در آیه «ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ..» (شوری/۲۳)، خداوند متعال خود

الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ)
(العنكبوت/۵۸).

اجر و پاداشی که خداوند برای مؤمنان قرار داده، با صفت جمیل و عظیم و غیرممنون و... توصیف شده است و این نشان‌دهنده تنوع و گونه‌گونی نعمت‌ها و پاداش‌هاست (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ) (فصلت/۸).

از دیگر صفات خداوند، اسرع‌الحاسبین است؛ یعنی زود به حساب‌بندگان رسیدگی می‌کند. این صفت که بارها در قرآن بیان شده، نشان‌دهنده این نکته است که پاداش‌ها به تأخیر نمی‌افتد و خداوند خلف وعده نمی‌کند و اگر وعده و بشارتی از جانب خداوند به بندگان ابلاغ شده، قطعی و لازم‌الصدور است.

۷-۲-۷- پیامبر واسطه مبشر

چنانچه در گذشته بیان کردیم، پیامبر نیز در طول خداوند، مبشر معرفی شده است و می‌تواند به صورت مستقل یک عنصر در کارگفت باشد و بررسی شود. در آیات بسیاری خداوند، پیامبر را مبشر می‌خواند و می‌فرماید: (يَأَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا) (احزاب/۴۵).

۷-۲-۱- ویژگی‌های پیامبر با صفت مبشر

۱-۲-۱-۷- شاهد(گواه)، مبشر(بشارت‌دهنده)، نذیر(انذاردهنده)، داعی‌الی‌الله(دعوت‌کننده به خدا)، سراج منیر(چراغ روشنایی‌دهنده). این اوصاف والا و پرمنزلت در آمده است: (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا* وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا) (احزاب/۴۵-۴۶).

۷-۲-۱-۲- رؤوف و رحيم

حکمت خداوند بر این است که نیکوکاران از بدکاران جدا شوند و هر دسته به جزا و سزای اعمال خود برسند. چنانچه در آیات قرآن آمده است که: (أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ) (ص/۲۸) و حکمت خداوند بر این است که میان کسانی که به انجام حسنات مبادرت کنند و کسانی که به سیئات روی آورده‌اند، تفاوت باشد تا مخاطبان به وعده‌های خداوند اطمینان کنند و از هشدارهای او بپرهیزند.

۱-۲-۷- اجر و پاداش

در نهج‌البلاغه از مولای متقیان آمده است که: (إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا) (نهج‌البلاغه، ۵۵۶، حکمت ۴۵۶؛ حرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۹۰؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۷) و این، جمله‌ای از امام سجاد علیه‌الصلاة والسلام است که می‌فرماید: مزد شما و بهای مناسب عمر شما فقط بهشت است. هرچه کمتر بگیرید، سرتان کلاه رفته است، پس برای اجر و پاداش اخروی کار کنید... (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۵، ص ۳۰۶).

از گفتار فوق به‌خوبی دریافت می‌شود که خداوند انسان را برای بهشت آفریده است و هر لحظه به هر بهانه قصد رساندن انسان به مقصد را دارد (أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ) (آل‌عمران/۱۳۶).

خداوند بزرگترین اجر و پاداش و بشارت یعنی بهشت برین را از آن کسانی بر می‌شمارد که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند و این عمل صالح نیز مصادیق بسیاری دارد: (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

۱-۳-۱-۷- مقام «رأفت و رحمت»

رحمت و رأفت، صفت فعل حق است و هر صفت فعل را از مقام فعل موصوف انتزاع می‌کنند نه از مقام ذات وی. و جایگاهی که محل انتزاع رأفت و رحمت است، جایگاهی امکانی است. رحمان جایگاه «رأفت و رحیم» و بارزترین مصداق و مظهر آن رسول خدا - صلی الله علیه وآله - است. خداوند برای خود رحمتی عامه و رحمتی خاصه قائل است و این دو خصوصیت را برای قرآن و پیامبر نیز بیان داشته است. از طرفی می‌فرماید: من رحمت عامه‌ای دارم: «رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»؛ یعنی هرچه مصداق شیء است، مشمول رحمت من است. از طرف دیگر می‌فرماید: متقیان، از رحمت ویژه‌ام برخوردارند (فَسَأَلْتُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ) (اعراف/۱۵۶) و درباره پیامبر - صلی الله علیه وآله - می‌فرماید: تو مظهر رحمت مطلق من هستی؛ زیرا (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) (انبیاء/۱۰۷) و نسبت به مؤمنان رحمت خاص داری: (بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ) (توبه/۱۲۸).

۳-۷- انسان، مخاطب کارگفت بشارت

(وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأْتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) (بقره/۲۵).

انسان، مخاطب خداوند در قرآن و دلیل بعثت پیامبران، عنصر سوم در کارگفت بشارت است. با بررسی آیاتی که به بشارت می‌پردازند، ملاحظه می‌شود که بشارت فقط درباره انسان‌های مؤمن نیست و در برخی نمونه‌ها خداوند در مؤاخذه و توبیخ کافران و مشرکان واژه بشارت را به کار برده

این دو صفت به همراه دو ویژگی از ویژگی‌های اخلاقی پیامبر رحمت، حضرت محمد - صلی الله علیه وآله - چنین

بیان شده است: (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ) (توبه/۱۲۸).

در این آیه کریمه، علاوه بر دو صفت «رئوف» و «رحیم» به دو ویژگی اخلاقی پیامبر - صلی الله علیه وآله - اشاره شده است. ویژگی نخست این است که پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - آنقدر خیرخواه و همدرد و دوستدار مردم بود که از رنج‌های آنها، آزرده‌خاطر می‌شد، به طوری که رنج و سختی دیگران برای ایشان سخت بود.

ویژگی دوم، دلسوزی آن حضرت است. حضرت دوست نمی‌داشت که حتی یک نفر از مسلمانان در مسیر هدایت نباشد. از این رو این دلسوزی آن‌چنان است که خداوند از اصرار حضرت در هدایت مردم به «حریص علیکم» تعبیر کرده است. چنانکه خداوند در سوره مبارکه کهف در این باره خطاب به پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - می‌فرماید: (فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَرِهِمْ إِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا بِهَذَا الْآحْدِيثِ أَسَفًا) (کهف/۶). در قرآن کریم اوصاف دیگری نیز برای آن حضرت آمده است که به جهت رعایت اختصار، تنها به ذکر دو صفت مشترک قرآنی خداوند با پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - اشاره می‌کنیم.

۳-۲-۱-۷- اوصاف مشترک خداوند و پیامبر

گذشته از مقام مبشری به صفاتی دیگر می‌پردازیم که بروز آنها در محدوده کار رسالت و ابلاغ وحی در پیامبر نمود داشت. دو صفت رأفت و رحمت که مشترک میان خداوند و پیامبر است.

است. لازم به تذکر است، در بسیاری از نمونه‌ها که جنبه هشدار و بیم‌دادن است، اگر به قرآن مراجعه شود، آنها نیز با بشارت آمده که جنبه مزدگانی‌دادن است و از پاداشی نیکو و دوست‌داشتنی حکایت می‌کند. هرچند خبر از عذاب‌دادن، بشارت و مزدگانی‌دادن نیست؛ بلکه نوع «گفتار نیک» داشتن مهم است که خداوند سبحان آن را به ما آموزش می‌دهد: (وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ) (توبه/۳) و یا (بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا) (النساء/۱۳۸). درباره این نوع بشارت بلاغیون معتقدند که هدف از به‌کارگیری واژه بشارت در غیر موضع خود بنا بر استعاره عنادیه است که منظور از آن، تمسخر کافران و منافقان است (الله اعلم).

از مجموع آیات می‌توان به این نتیجه رسید که انسان‌ها با توجه به اختیار و حالات مختلف روحی و اعتقادات خاص خود به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند، گاه با نام مؤمن مخاطب قرار می‌گیرند و گاه کافر و گاه منافق و... در این میان، اعتقادات در تحقق کارگفت تأثیر بسزایی دارد. چون انسان‌ها با تفاوتی که در اعتقادات خود دارند، در برابر وعده‌ها و بشارت‌های خداوند، واکنش‌های مختلفی را از خود نشان می‌دهند. این گفتمان دوسویه نه تنها از طریق تفاوت اعتقاد که از طریق میزان شناخت و آگاهی و اختیار انسان نیز بررسی می‌شود.

۱-۳-۷- اختیار انسان

بارزترین آیه در نمایاندن اختیار انسان، آیه (إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا) (انسان/۳) است. از دیدگاه قرآن، انسان موجودی مختار است و با اراده خویش راه صواب یا ناصواب را انتخاب می‌کند. انسان مختار، مخاطب خداوند، در صورتی که اختیار

خویش را با اعتقاد و ایمان به خداوند ترکیب کند، به واکنش مثبت برخیزد و با انجام عمل صالحی که به او امر شده است، به فرجام نیکی که خداوند به او بشارت داده خواهد رسید (الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ) (آل عمران/۱۷۲). این انسان مؤمن حتی اگر در این راه هزاران بار و با انواع مصیبت‌ها امتحان شود و همه مایملک و متعلقاتش را از دست بدهد، باز هم دست از اعتقاد خویش بر نمی‌دارد و با صبر و استقامت به بشارت خداوند خرسند و امیدوار خواهند بود (وَلَنُبَلِّغَنَّكُمْ بَشِيرًا مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ) (البقره/۱۵۵). و در آیه (وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوا مِنْ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ) (الزمر/۷۴)، سرانجام و عاقبت فرد مؤمنی را که به آنچه خداوند بشارت داده، رسیده است را بیان می‌کند. این آیه و آیات مشابه آن نشان‌دهنده خلف وعده‌نکردن خداوند است (إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ) (آل عمران/۹).

در آیه (لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ) (آل عمران/۱۶۴) و آیات مشابه آن نیز، بعثت پیامبران از جانب خداوند برای هدایت انسان بیان شده است و هدایت انسان با انواع گفتگوها-بشارت و انذار و... می‌تواند دلیلی بر مختاربودن انسان باشد. در آیات دیگر بعد از بیان این نمونه‌ها که خداوند راه نجات و سعادت و راه شقاوت انسان‌ها را به دست پیامبر به او نشان داده است و انسان مختار، با اختیار خود می‌تواند سپاسگزار یا ناسپاس شود. واضح است

۸- تحلیل ساختار تحقق کارگفت بشارت در قرآن
برای ایجاد کارگفت بشارت، نیازمند وجود شرایط و مؤلفه‌هایی هستیم که آن -کارگفت بشارت- را از دیگر کارگفت‌ها متمایز سازد. این مؤلفه‌ها در قرآن تبیین شده است و در ادامه هرکدام از آنها را بررسی می‌کنیم.

۸-۱- ابلاغ کارگفت بشارت

وعده و وعیدهای قرآنی، اعلام خبر قطعی‌الصدور از جانب مبشر برای مخاطب و آماده‌کردن ذهن او نسبت به اهمیت و حساسیت مطلب در واقع توصیفی برای مؤلفه «ابلاغ» است.

ساختار وعده‌ها و بشارت‌های قرآنی به‌گونه‌ای است که مخاطب را به واکنش می‌طلبد. گاه این واکنش مثبت و در راستای رسیدن به چیز است که به آن بشارت داده شده است و گاه در جهت خلاف و جبهه‌گیری است. پس در مخاطب به میزان اعتقاد و ایمانش به خداوند -مبشر- و وعده‌های او -کنش- شاهد واکنش هستیم. ابلاغ بشارت از جانب خداوند کنش است و عکس‌العمل بنده در برابر این ابلاغ واکنش. خداوند در بشارت‌ها و وعده‌های خود برای ترغیب بندگان به انجام عمل صالح و نیکو به عاقبت و فرجام نیک آن عمل اشاره کرده است که اینگونه سخن گفتن خاص حکیمی است که هیچ‌چیز را بیهوده نیافریده و تمام برنامه‌هایش حساب‌شده و دقیق است.

۸-۲- تعلق بشارت خداوند

آیاتی را که از بشارت‌های خداوند سخن به میان آورد و بندگان خود را مشمول آن بشارت کند، بر دو گونه می‌توان بیان کرد که بشارت الهی به آن تعلق گرفته است.

که مسئله‌ای مانند بشارت و انذار و ترغیب و تشویق و... تنها در صورت مختاربودن مخاطب کارآیی دارد و در غیر این صورت کاری عبث و بیهوده خواهد بود و کار عبث از فرد حکیم صادر نمی‌شود.

۲-۳-۷- معرفت و شناخت و علم حضوری در

انسان

خداوند در بسیاری از آیات انسان را به تفکر و اندیشه در مخلوقات عالم سوق داده است تا نسبت به خالق آنها معرفت حاصل کند و نسبت به سرگذشت دیگر اقوام آگاهی یابد. خداوند با قراردادن استعداد و حس کنجکاو و تلاش در انسان به او قابلیت خلیفه‌اللهی را داده است و این امر محقق نمی‌شود، مگر اینکه انسان همواره در پی شناخت و کسب علم نسبت به فرامین مکلف‌شده، باشد. انسان بصیر و آگاه برای کسب معرفت و شناخت نسبت به خداوند می‌تواند به درجه فناء فی الله برسد و در ذات خداوند ذوب شود و همواره در فطرت خویش با خداوند در ارتباط باشد و تمام وعده‌های او را با جان و دل بپذیرد.

(فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكُمْ لَمُحِي الْمَوْتِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (الروم/۵۰) و (اغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) (الحديد / ۱۷) و... در آیاتی که بیان شد و آیات مشابه آن معرفت و علم حضوری و جستجوی شخصی را برای انسان الزامی دانسته است و ایمان در سایه آگاهی و علم را تشویق می‌کند.

در قرآن راه شناخت خداوند، شناخت خود است (وَفِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ) (ذاریات/۲۱).

۱-۲-۸- امور دنیوی

امور ملموس و دیدنی در کارگفت بشارت کارایی بسیاری دارد. برای ایجاد انگیزه در مخاطب بیان اموری که دیدنی باشند، بیشتر از امور معنوی و غیرمحمسوس کاربرد دارد. برای ترغیب و تشویق انسان و ایجاد واکنش مطلوب نسبت به بشارت‌های قرآنی، بیان آنچه که می‌بیند و یا لذت‌داشتن و وجودش را تمنا می‌کند، ضروری است. در قرآن این امور به زیبایی بیان شده است که در ذیل به برخی از این امور اشاره می‌کنیم.

۱-۲-۸-۱- امداد الهی

امداد غیبی از نعمت‌های دنیوی شمرده شده که خداوند در برخی جنگ‌ها به مؤمنان عنایت کرده است: «بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ وَمَا جَعَلَ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ...» (آل عمران/۱۲۵-۱۲۶). فرستادن پنج هزار فرشته و وعده کمک فرشتگان الهی به مؤمنان، بشارتی است از ناحیه خداوند، جهت آرامش و تسلی و اطمینان دل‌هایشان تا از زیادی سپاه دشمن و کمی عدد خود نهراسند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۸۲۹).

۱-۲-۸-۱-۱- فرزند

یکی دیگر از نعمت‌های دنیوی که از ارزش والایی برخوردار است، بشارت به فرزند است. درخواست و طلب فرزند از خداوند از دعاهای برخی پیامبران بوده و اجابت این دعا بشارت در قرآن است. آنجا که به حضرت ابراهیم (ع) در سن پیری خداوند از بشارتی خبر می‌دهد که مربوط به ولادت فرزندش حضرت اسحاق (ع) است (همان، ج ۸، ص ۷۰۸)، «وَبَشِّرْنَا بِاسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ» (صافات/۱۱۲).

البته برخی این بشارت را متوجه نبوت حضرت اسحاق می‌دانند؛ یعنی در این آیه به حضرت ابراهیم (ع) همزمان دو بشارت داده شده است: بشارت تولد اسحاق و بشارت به نبوت او که پیامبری از صالحان بود (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۲۲۲). اما شاهد بر اینکه بشارت فرزند باشد، در آیه دیگر نیز به اشاره شده است: «بَشِّرْنَا بِغُلَامٍ حَلِيمٍ» (صافات/۱۰۱) که بشارت تولد حضرت اسماعیل است.

۲-۲-۸- بشارت‌های اخروی

در کنار امور دنیوی، قرآن گاهی به فطرت انسان مراجعه کرده است و آنچه را که تمنا دارد -میل به جاودانگی- را نیز مدنظر قرار می‌دهد. میل به جاودانگی و دریافت پاداش پایان کار در همه انسان‌ها وجود دارد. خداوند برای این قسمت از فطرت انسان او را به امور غیر محسوس بشارت می‌دهد که شنیدن آن انسان را به وجد و تلاش و تکاپو وادار می‌کند. این امور با نام امور اخروی بررسی می‌شود.

۱-۲-۲-۸- بهشت

جنت یا همان بهشت موعود، یکی از نعمت‌های اخروی است که خداوند در برخی آیات، بندگانش را به آن بشارت داده است: «يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ» (توبه/۲۱).

همچنین آیاتی که در آنها از بشارت‌های خداوند در قیامت سخن گفته، فراوان است. و در پایان بشارت‌ها، خرسندی مؤمن را از کسب رضایت خداوند چنین بیان می‌فرماید: «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفَرَةٌ، صَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ» (عبس/۳۸-۳۹)، خوشحال بودن مؤمنان که به آن بشارت داده شده‌اند، به دلیل جایگاه والایشان است؛ جایگاهی که خداوند به آنها عنایت

در بیش از ۵۰۰ آیه از آن سخن به میان آمده است «وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» (زخرف/۳۲).

در کارگفت بشارت، میان مبشّر و مخاطب رابطه‌ای عاطفی وجود دارد. خداوند، خالق انسان و آگاه به قدر و مرتبه او، با دلسوزی و احسان در پی نشان دادن راه صحیح رسیدن به کمال به مخاطب بوده است و برای اینکه او این مسیر را طی کند، وعده‌های بسیاری را نیز می‌دهد.

در کنار آیات انذار، که نمونه‌های آن در قرآن وجود دارد، خداوند با به‌کارگیری بشارت و وعده‌دادن به مخاطب، در ذهن او فضایی را ایجاد می‌کند و با بیان عاقبت امر در انتخاب خوب و بد او را مختار دانسته است. اما در کنار همه این آیات سچه انذار و چه بشارت-ردی از رحمت خداوند جاری است. مبشّر تلاش می‌کند تا مخاطب را از خطراتی که در کمین است، آگاه و نهایت نیک و بهشت جاویدان را برای او مجسم کند.

در آیه «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ» (زمر/۵۳) که به اعتقاد بسیاری از بزرگان دینی، امیدوارکننده‌ترین آیه قرآن و نشان‌دهنده اوج محبت خداوند نسبت به بندگان است، خداوند بنده خاطی را مخاطب قرار می‌دهد و با محبت تمام حتی پس از ارتکاب گناهان بسیار، او را به آغوش خود می‌خواند و در جایی دیگر تنها گمراهان را مأیوس از رحمت خدا معرفی می‌کند: «وَمَنْ يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (حجر/۵۶). این موهبتی از ناحیه خداست و کافی است که او (از حال بندگان، و نیت و اعمالشان) آگاه است.

کرده است و آنان می‌خواهند در آن وارد شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۲۱۰).

در برخی آیات به بشارت‌های دنیوی و اخروی با هم اشاره شده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَأَتَبَدِّلَنَّهُمْ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (یونس/۶۳-۶۴).

بشارت در این آیه اگر انشایی باشد (بشارت باد آنان را...)، به این معناست که این بشارت هم در دنیا برای آنان واقع می‌شود و هم در آخرت واقع خواهد شد؛ اما اگر خبری باشد و خواسته باشد خبر بدهد که خدای تعالی به‌زودی اولیای خود را در دنیا و آخرت بشارت می‌دهد؛ یعنی بشارت در دنیا و آخرت بعدها برای آنها واقع می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۹۳). البته برخی معنای بشارت در آخرت را بهشت می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۱۱۹)؛ چون در برابر مؤمنان قرآن از تحریم این بشارت برای مجرمان خبر داده است: «يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ لِيَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا» (فرقان/۲۲).

منظور از «یوم» روز قیامت است و آیه خبر می‌دهد که مژده‌ای برای مجرمان وجود ندارد و این خود نشان می‌دهد که بشارت در آخرت برای برخی انسان‌ها وجود دارد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۱۰).

۳-۸- رأفت و رحمت و فضل خداوند در تحقق کارگفت بشارت

خداوند متعال خود را در قرآن کریم با صفات زیادی به بندگان معرفی فرموده است. صفاتی که هرکدام جلوه‌ای از جمال و جلال الهی را به نمایش می‌گذارد. صفت رحمت یکی از این صفات است که

۴-۸- عوامل بهره‌مندی از بشارت

ذکر بشارت‌های خداوند در آیات قرآن برای این است که انسان به این بشارت‌ها طمع و به اعمالی که سبب این بشارت شده است، رغبت کند. از این رو در بسیاری از آیات بشارت عوامل این بشارت‌ها نیز ذکر شده است. برخی از این عوامل عبارتند از:

۱-۴-۸- ایمان به خدا و رعایت تقوای الهی و

عمل صالح

در بسیاری از آیات قرآن عامل بهره‌مندی از بشارت خداوند، داشتن ایمان به همراه تقوای الهی بیان شده است:

«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ... الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ، لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (یونس/۶۲-۶۴).

خدا در این آیات اولیای خود را بشارت داده و آنان را این چنین معرفی کرده است: «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ». پس صرف ایمان و تقوای انسان را لایق بشارت خداوند نمی‌کند؛ بلکه آمدن کلمه «كانوا» این نکته را می‌فهماند که اولیاءالله، قبل از ایمان آوردن، تقوایی مستمر داشته‌اند. معلوم است که ایمان ابتدایی مسبوق به تقوا نیست، آن هم تقوای مستمر و دائمی. بنابراین بهره‌مندی از بشارت خداوند مرحله خاص والایی از تقوای الهی را می‌خواهد که مسبوق به تقوای دائمی باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۸۸-۸۹).

۲-۴-۸- اجتناب از طاغوت و اطاعت خدا

دو خصلت فوق برای کسانی که خداوند آنها را بشارت می‌دهد، آورده شده و نشان‌دهنده علل بهره‌مندی از بشارت‌های خداوند است (مکارم

شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۲۱؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۲۹۷).

کسانی که این صفات را داشته باشند، جزء بندگان خاص خداوند هستند و مشمول بشارت خاص می‌شوند (صادقی تهرانی، ج ۱، ص ۴۶۰، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن) «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ...» (زمر/۱۷-۱۸).

۳-۴-۸- بندگی خدا و پیامبر و انجام اعمال صالح

بندگی کردن و عمل صالح انجام‌دادن انسان را در شمار بهره‌مندان از بشارت الهی قرار می‌دهد (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۴۸۱؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۳۹۷).

«ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...» (شوری/۲۳)، «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا» (نساء/۶۹).

۴-۴-۸- جهاد در راه خدا و هجرت

دو صفت دیگری که انسان‌های مؤمن را از بشارت الهی بهره‌مند می‌کند، هجرت و جهاد در راه خداست (نجفی

خمینی، ۱۳۹۸ق، ج ۶، ص ۲۲۱). «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ، يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ...» (توبه/۲۱-۲۲).

در این آیه کسانی را که در راه خدا جهاد و هجرت می‌کنند، رستگار می‌خواند و از سیاق آیه بر می‌آید که رحمت، رضوان و جنتی که می‌شمارد، بیان

هدایت مخاطب است به سمتی که خداوند آن را شایسته مخلوق می‌داند.

در کارگفت بشارت مبشر تلاش می‌کند که با ایجاد هدف و نشان دادن الگو، در مخاطب انگیزه‌ای برای کمال ایجاد کند و او را به حق و حقیقت سوق دهد.

خداوند همواره در طول مسیر با مخاطب است و از پاداش دادن به کوچکترین عمل نیکی صرف نظر نمی‌کند «إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا» (الکهف/۳۰) و در نهایت این مخاطب بشارت است که به آنچه کسب کرده است، خرسند و راضی خواهد بود «يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران/ ۱۷۱).

با توجه به آنچه گفته شد، در کارگفت بشارت، مبشر یا بشیر- خداوند- بر مبنای دلسوزی و رحمت بر بندگان-مخلوقات- مسیری روشن و نهایی درخشان را برای او مشخص کرده و تلاش او را در این مسیر با عاقبت نیکو- بهشت جاویدان- تضمین کرده است. خداوند در تحقق این کارگفت از هیچ اجباری استفاده نکرده و انسان را در انتخاب یا رد امر مختار دانسته است. انسان در مقام مخاطب خداوند با اختیار و علم و میزان اعتقاد و ایمان خود در مقابل این بشارت‌ها واکنش نشان می‌دهد. کارگفت بشارت درحقیقت با ترکیبی منظم و دقیق در مخاطب ایجاد انگیزه و نشاط کرده است، به نحوی که انسان مؤمن همواره برای رسیدن به آن مقام در تلاش خواهد بود. در پایان یادآوری این نکته حائز اهمیت است که در تحقق یک کارگفت وجود همه مؤلفه‌ها و شاخص‌ها الزامی است و اتحاد این مؤلفه‌ها سبب تفاوت کارگفت‌ها خواهد بود.

همان رستگاری است که در عبارت «أَوْلَيْكَ هُمْ الْفَائِزُونَ» ذکر شده، که در اینجا به طور تفصیل و با زبان بشارت و نوید بیان شده است (طیب، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۲۰۶).

۵-۸- اختیار مخاطب در قبول بشارت

انسان موجودی مختار است که خداوند میل به خوبی را در فطرت او نهاده است و او با اختیار تام و به مقدار شدت و ضعف ایمان به پیروی یا دوری از میل گام بر می‌دارد.

خداوند در هیچ آیه‌ای از قرآن کریم انسان را به اجبار، وادار به کاری نکرده است، حتی در امر پذیرش اوامر و نواهی «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا» (الإنسان /۳).

درحقیقت اوامر و نواهی خداوند وسیله آگاهی مخاطب است و اراده و اختیار انسان است که حرف اول را می‌زند. مخاطب قرآن پس از شنیدن آیات بشارت، مختار است که انجام‌دهنده آن دستور باشد و برای رسیدن به آنچه وعده داده شده است، تلاش کند یا نه. پس درحقیقت شیوه‌های انذار و بشارت در قرآن چیزی جز راه‌هایی برای رسیدن، آگاه‌سازی و انتقال اطلاعات نیستند و در پایان این خود فرد است که با آزادی و اختیار خویش آن را قبول یا رد می‌کند.

۶-۸- بشارت، ترغیب انسان برای رسیدن به امور

مطلوب

باید گفت که بشارت درحقیقت وعده و تشویق و ترغیب مخاطب است، برای انجام عملی که شایستگی کسب یک امتیاز یا جایگاه خاص را دارد «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (المائدة/ ۹). درحقیقت بشارت راه

نتیجه

منابع

- کاربردشناسی فراتر از علم معناشناسی- که معنا و روابط کلمات را بررسی می‌کند- کنش‌ها و واکنش‌هایی را بررسی می‌کند که پس از ابلاغ یک جمله ایجاد می‌شود. در کارگفت بشارت سه عنصر مؤلفه‌های اصلی است که بررسی می‌شود. یعنی خداوند و پیامبر که در جایگاه مبشر قرار گرفته و انسان که مخاطب کارگفت بشارت است. خداوند، عنصر اصلی کارگفت بشارت، دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی است که از جمله آنها می‌توان به رحمت و رأفت و دلسوزی و خیرخواهی نسبت به مخاطب، اشاره کرد که انسان را براساس سطح درک و بینش و عقل و آگاهی او مخاطب قرار می‌دهد.
- در کارگفت بشارت، خداوند با وعده‌های دنیوی و اخروی مخاطب را برای قبول ایمان و انجام تکالیف ترغیب و تشویق می‌کند. در این میان مخاطب باید آزادانه و با اختیار خود موضوع را قبول یا رد کند و در هیچ مرحله‌ای احساس تکلف و اجبار نکند. کارگفت بشارت، درحقیقت مکانیزمی برای ترغیب و تشویق مخاطب است. به نحوی که در مخاطب انگیزه‌ای والا را در جهت رسیدن به آنچه تمنای اوست، ایجاد می‌کند. آنچه تحلیل‌گران گفتمان قرآنی می‌بایست به آن جامه عمل بپوشانند، این است که با تکیه بر معارف عمیق و انسان‌ساز و حیانی، علوم نیازمند بشر، چون جامعه‌شناسی، روانشناسی، علوم سیاسی و... را از قرآن کریم استخراج کنند و در اختیار انسان عصر حاضر قرار دهند. درحقیقت رسالتی از این با اهمیت‌تر برای قرآن‌پژوهان وجود ندارد.
۱. قرآن کریم.
 ۲. نهج البلاغه.
 ۳. ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۶ و ۱۸، مشهد: آستان قدس رضوی.
 ۴. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۸۲)، *تحف العقول* مترجم: حسن‌زاده، صادق، قم: آل علی (علیه السلام).
 ۵. آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵)، «تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی»، تهران: علمی و فرهنگی.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، *حیات حقیقی انسان در قرآن*، ج ۲، قم: انتشارات اسراء.
 ۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: الدار الشامیه.
 ۸. سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۷)، «تحلیل گفتمان سیاسی رسانه‌ها»، تهران: علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۴۲.
 ۹. --- (۱۳۸۴)، *قدرت، گفتمان و زبان*، ناشر: نشر نی، چاپ اول.
 ۱۰. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۱۹)، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، ج ۱، قم: مؤلف، چاپ اول.
 ۱۱. صانعی‌پور، محمدحسن (۱۳۹۰)، *مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

۱۲. صفوی، کورش (۱۳۹۱)، *آشنایی با زبان‌شناسی در مطالعات ادب فارسی*، تهران: انتشارات نشر علمی.
۱۳. طباطبایی (علامه)، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیرالقرآن*، ج ۱۰ و ۲۱، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
۱۵. طیب، سید عبدالحسین (بی‌تا)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: اسلام، چاپ دوم.
۱۶. طیب، محمدتقی (۱۳۷۸)، *تحلیل کلام خدا بحثی گفتمانی پیرامون قرآن مجید*، در: مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی.
۱۷. عضدانلو، حمید (۱۳۷۵)، «گفتمانی درباره گفتمان ۱»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ش ۱۰۳ و ۱۰۴، فروردین و اردیبهشت، ص ۴۷-۵۲.
۱۸. عواطف رستمی، نعمت الله (بی‌تا)، «تحلیل گفتمان انتقادی» *مجله علمی-پژوهشی معارف اسلامی*.
۱۹. فاضلی، محمد (۱۳۸۳)، «گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی»، *پژوهشنامه علوم انسانی اجتماعی*، شماره ۴.
۲۰. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۲۱. فقیهان، نعیمه (۱۳۸۹)، *بررسی کاربردشناختی برخی اشارات تضمینی در تبلیغات تجاری*
- فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
۲۲. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۸۹)، *بیولوژی نصر*، ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، ج ۱۰، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۲۴. کوک، گای (۱۳۸۸)، *زبان‌شناسی کاربردی*، ترجمه دکتر مصطفی حسرتی، فریبا غضنفری، دکتر عامر قیطوری، کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی کرمانشاه.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳)، *بحارالانوار*، مترجم: موسوی همدانی، ابوالحسن، قم: انتشارات کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر(عج).
۲۷. معموری، علی (۱۳۸۶)، «دانش زبان‌شناسی و کاربردهای آن در مطالعات قرآنی»، *نشریه قرآن و علم* شماره ۱.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۹. ون دایک، تئون (۱۳۸۷)، *مطالعاتی در تحلیل گفتمان*، ترجمه شعبانعلی بهرامپور، تهران: دفتر مطالعات و رسانه‌ها.
۳۰. یول، جورج (۱۳۸۵ش)، *کاربردشناسی زبان*، ترجمه دکتر محمد عموزاده مهدی رجی، دکتر منوچهر توانگر، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

